

Habibullah

TFS(TSO)

Ahsi, Ruhul-Masni, ④, 18

DIA Rtp 297-211

ALU - R

Habibullah

dwi J.

Resit Rizvi, Tefsirul-Menâr, C.IV, s. 20

ON: 62084 ١٣٧٦ تهران.

حبش بن المغيرة

دایرہ المذاق و شیعہ، جلد سوم

10 MART 1999

۵۱

حُبْشی بْن جناده سلولی، از اصحاب رسول خدا (ص).
نجاشی گوید: «سه حدیث از آن حضرت روایت نموده، از جمله: (علی از من است و من از اویم...). چند تن از صاحب‌نظران اهل سنت گفته‌اند: او در مشاهد حضرت علی (ع) نیز حضور داشته، و احادیثی در فضائل آن جانب روایت نموده. پسرش عبدالرحمن، و نیز ابواسحاق سبیعی و شعبی از او روایت کرده‌اند. او جد حصین بن المخارق بوده است.

منابع: رجال، نجاشی، ۱۰۵؛ الاصابة، ۳۰۴/۱؛ الاستیباب، ۲۰۱/۴؛ عیان الشیعه، ۳۸۷/۴؛ معجم رجال الحدیث، ۳۹۱/۱.

سید مهدی حائری

حبط و احباط —> احباط

حبل الله، حَبْل در لغت به معنی ریسمان و هر دست آویزی است که آدمی را به محل مورد نظر خود برساند؛ مانند ریسمانی که به کمک آن از چاه بیرون آیند یا از محل پست و پایین به جایی بلند برستند.

لفظ حَبْل و جمع آن «جبال» بر رویهم هفت بار در قرآن آمده است، پنج بار به صورت مفرد: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً...» (آل عمران، ۱۰۳). «صُرِيَّتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ مَا تُقْعِدُوا إِلَّا بِحَبْلِ مِنْ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ...» (همان، ۱۱۲)، «تَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق، ۱۶)، «فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِنْ مَسْدٍ» (مسد، ۵). «جبال» جمع حَبْل نیز دوبار در قرآن به کار رفته است: «فَاذَا جِبَالُهُمْ وَعَصَيْهِمْ...» (طه، ۶۶)، «فَأَلْقَوْا جِبَالَهُمْ وَعَصَيْهِمْ...» (الشعراء، ۴۴). ولی ترکیب حبل الله همان یک بار در سوره آل عمران آیه ۱۰۳ که ذکر شد آمده است و مفسران قرآنی برای این ترکیب معانی گونه گونی یاد کرده‌اند، بدین گونه: ۱) به معنای قرآن، این معنی از ابوسعید خُدَری، ابن عباس، فَتاَهَ و سُدَّتَ، روایت شده است و نیز در روایتی از آغور از امیرالمؤمنین (ع) و از پیامبر (ص) قرآن را «حبل الله المتنین» یاد کرده‌اند. و طریحی گوید: «القرآن حبل الله المتنین» (مجمل البحرين، ۳۴۷/۵)؛ ۲) به معنای دین اسلام، به روایت از ابن عباس و ابوزید، حبل الله یعنی دین اسلام؛ ۳) حبل در این ترکیب به روایت مجاهد و عطاء به معنی عهد و پیمان خدا دانسته شده است و طریحی نیز در مجمل البحرين در توضیح «حبل الله»، آن را به معنی پیمان آورده و افروزده است: از آن جهت پیمان را حبل خوانده‌اند که آن، مانند ریسمانی راست و کشیده، آرامش و امنیت را استوار نگاه می‌دارد. وی سپس می‌گوید: عربها نور کشیده را به نخ و ریسمان تشییه کنند و حدیث «هُوَ حَبْلُ اللَّهِ المُتَّنِّي» و نیز روایت مشهور «هُوَ حَبْلُ اللَّهِ التَّمَدُّدُ مِنَ الشَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ» را بدان گونه معنی کنند که: «آن (قرآن)، نور هدایتی است

که از آسمان تا زمین را تابناک نموده و پر کرده است؛^۴) حبل به معنی امان و وسیله امنیت است که در پی عهد و پیمان، همچون نتیجه‌ای تلقی می‌گردد. شیخ طوسی و ابن قُتیبه برای تأیید این معنی، بیت زیر را از اعشی شاهد آورده‌اند (التبیان، ۵۴۵/۲؛ تأویل

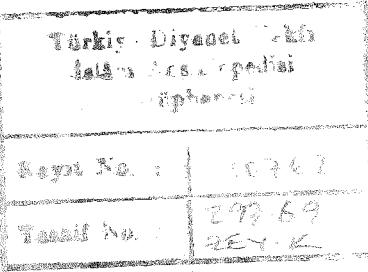
حبش بن المغیره، شیخ طوسی او را در شمار داویان و از اصحاب امیرالمؤمنین (ع) یاد کرده است. و در بعضی نسخه‌ها «حبش» و بعضی دیگر «حنش» و نام پدرش «المعتمر» ضبط گردیده است.

منابع: رجال، طوسی، ۴۰؛ جامع الرواۃ، ۱۷۷/۱؛ عیان الشیعه، ۳۸۶/۴؛ معجم رجال الحدیث، ۲۱۹/۴؛ تقدیم الرجال، ۸۱.

سید مهدی حائری

حبشة بن قيس بن سلمة، همدانی فهمی نهمی، از شهدای روز عاشورای (ع) وی مردی شجاع و از شیعیان کوفه و محبین خاندان عصمت و طهارت (ع) بود که با لشکر ابن سعد از کوفه خارج شد و به کربلا آمد، سپس در روزهای هدنه و سکون که در کربلا حکم فرما بود او با جمعی دیگر از شیعیان به خیمه‌گاه ابا عبد الله الحسین (ع) ملحق گردید و به افراد قبیله خود بنی نهمی و بنی فهمی از شاخه‌های قبیله بنی همدان که جز سپاه سید الشهداء (ع) بود پیوست (← بنی همدان، دایرۃ المعارف تشیع، ۴۹۹/۳). عسقلانی در الاصابة هنگام شرح حال جدش سلمة بن طریف بن ابیان می‌نویسد (... لا یه صحبة و له رؤیة و قُتل حبشه بن قيس... مع الحسین بن علی (ع) یوم الطف) سپس در ترجمه جد اعلای او طریف بن ابیان اضافه می‌کند (... و حفیده جعیة... قُتل مع الحسین بن علی (ع)... این احتمال وجود دارد که جعیة بن قيس برادر حبشه بن قيس بوده و هر دو آنها روز عاشورا در کربلا به شهادت رسیده‌اند. و نیز احتمال دوم جعیه تحریف حبشه است و این اشتباه از ناسخ نسخه می‌باشد و در کتب بصار العین و عیان الشیعه اشتباهاتی در نام وی روی داده که با واقع تطبیق نمی‌کند. حبشه در روز عاشورا بر مبنای رسم تمام اصحاب خدمت امام (ع) رسید و با وی وداع کرد و پس از دریافت اجازه به میدان جنگ و مبارزه رفت و بعد از یک جنگ دلیرانه و نبرد شرافتمدانه قبل از ظهر روز عاشورا به شهادت رسید رضوان الله علیه. امام (ع) پیکر مطهر او را از میدان جنگ به خیمه‌ای که مخصوص اصحاب (ع) نصب فرموده بودن منتقل کرد و بعداً بنی اسد جسد پاک او را به خاک سپرندند (← آرامگاه شهدای کربلا، دایرۃ المعارف تشیع، ۴۳۱).

منابع: بصار العین فی انصار الحسین (ع)، ۷۹؛ الاصابة، ۱۰۴/۲؛ ۲۱۵؛ عیان الشیعه، ۶۱۱/۱؛ ۳۸۶/۴؛ فرسان السراج، ۸۵/۱؛ کربلاء فی حاضرها و ماضیها (خطی)؛ وسیله الدارین، ۱۱۸. شهیدی صالحی



الكتابية

كتاب في ذكر جبل الله الذي أمرنا بالاعتصام به وترك التفرق

كتاب في ذكر جبل الله الذي فُسِّبَ من علماء القرى المغاربة

Habibullah (25-33)

مشهورات

مؤسسة الأعلى للطبوعات

بيروت - لبنان

ص.ب. ٧١٢٠

وَيَوْمَ عَنْ الْحَسْنِ عَنْ حَفْصٍ عَنْ نَسِيبٍ فَرَعَانَ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيَامٌ قُتِلَ الْمُلِىءُ بْنُ خَنْدِيسَ مَوْلَاهُ فَقَالَ لِي يَا حَفْصَ حَدَثَتِي الْمُلِىءُ بِأَشْيَاءَ فَأَذْاعُهَا فَأَبَيْتُلِي بِالْحَدِيدِ إِنِّي قُلْتُ لَهُ أَنَّ لَنَا حَدِيثًا مِنْ حَفْظِهِ عَلَيْنَا حَفْظَهُ اللَّهُ وَحْفَظَ عَلَيْهِ دِينَهُ وَدُنْيَاَهُ وَمَنْ أَذَاعَهُ عَلَيْنَا سَلَبَهُ اللَّهُ دِينَهُ وَدُنْيَاَهُ يَا مَعْلِي أَنَّهُ مِنْ كُلِّ الصَّعْبِ مِنْ حَدِيثِنَا جَعَلَهُ اللَّهُ نُورًا بَيْنَ عَيْنَيهِ وَرَزَمَةَ الْفَرَّ في النَّاسِ وَمَنْ أَذَاعَ الصَّفِيرَ مِنْ حَدِيثِنَا لَمْ يَمِتْ حَتَّى يَعْضُهُ السَّلَاجُ أَوْ يَوْمَ مُتَحِيرًا .

باب

في ذكر جبل الله الذي أمرنا بالاعتصام به وترك التفرق
عنه بقوله واعتصموا بجبل الله ولا تفرقوا

حدثنا محمد بن عبد الله بن المعمري الطبراني بطبرية سنة ثلاط وثلاثين وثلاثمائة
وكان هذا الرجل من موالي يزيد بن معاوية ومن الثقات قال حدثني أبي قال حدثني
علي بن هاشم والحسين بن السكن قالا حدثنا عبد الرزاق بن همام قال أخبرني
أبي عن أبيه عن مينا مولى عبد الرحمن بن عوف عن جابر بن عبد الله الأنصاري
قال وفَدَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ (١) أَهْلَ الْيَمَنَ بِسِيسَا فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ قَالَ قَوْمٌ رَقِيقَةٌ قَلُوبُهُمْ رَاسِخٌ إِيمَانُهُمْ مِنْهُمْ الْمُنْصُورُ يَخْرُجُ فِي سَبْعِينِ النَّاسِ
يَنْصُرُ خَلْفِي وَخَلْفِي وَصَبِيٌّ حَائِلٌ سَيِّفُهُمُ الْمَسْدُ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ وَصَبَّكَ
فَقَالَ هُوَ الَّذِي أَمْرَكَ اللَّهَ بِالاعتصامِ بِهِ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَ هُوَ وَاعْتَصِمُوا بِجَبَلِ اللَّهِ
جَمِيعًا وَلَا تُفْرِقُوهُمْ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ لَنَا مَا هَذَا الْجَبَلُ فَقَالَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ
إِلَّا بِجَبَلٍ مِنَ النَّاسِ فَالْجَبَلُ مِنَ اللَّهِ كِتَابٌ وَالْجَبَلُ مِنَ النَّاسِ وَصَبَّ

(١) وفي نسخة فقال النبي صلى الله عليه وسلم حاكم أهل اليمن .